

هدایت آثار مبارکه برای انتخاب همسر جهت ازدواجی موفق

دکتر رادنی کلارکن

راهنمایی در مورد نحوه انتخاب دین یا همسر، دو مورد از مهم‌ترین تصمیماتی که فرد در زندگی خود اتخاذ می‌کند، محدود، غیر قابل اعتماد و گمراه کننده است. بسیاری از نفوس همسر و دینی را انتخاب می‌کنند که مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی است نه آن که گزینشی مستقل و آگاهانه باشد که با استفاده از معیارها و مقتضیات مهم در انتخاب هر یک صورت گیرد. نظریه‌های ما که این معیارها و ارزشها چه باید باشند غالباً بر پایه سنت و تقلید استوار است. اگر شما دیانت غلطی را انتخاب کنید، معمولاً می‌توانید آن را تغییر دهید و با اندکی رنج و زحمت یا دشواری برای خود و دیگران، اصلاحاتی در انتخابتان عملی سازید. اگر همسر اشتباه را انتخاب کنید، تبعات آن ممکن است یک عمر با شما و نفوس مرتبط همراه باشد. اگر فرزند دارید، آنها نیز در پیامدهای یک عمر این انتخاب سهیم خواهند بود و در زندگی آنها نیز مؤثر واقع خواهد شد.

در حال حاضر در غرب احتمال منتهی شدن ازدواج اول به طلاق حدود ۵۰ درصد است. اگر ازدواج کردن مانند طلاق گرفتن مشکل بود، در این صورت شاید ازدواج‌های بیشتری پایدار می‌ماندند و موفقیت‌آمیز بودند. بسیاری از مردم از ازدواج کردن باز داشته می‌شوند زیرا به نظر می‌رسد نهاد ازدواج بیش از آن که نفع برساند موجب مشکلات و مسائل است. فرد چگونه باید بداند شخصی که امیدوار است با او ازدواج کند همان کسی خواهد بود که می‌تواند در زندگی خود به نحوی شادمانه و ثمربخش با او سهیم شود؟

معیارهای فعلی برای انتخاب همسر در غرب عمدهً بر ملاحظات مادی متمرکز است مانند جذابیت عنصری و جنسی و موقف اجتماعی و اقتصادی. گزارش جالبی وجود دارد که گویای آن است که نه موردی که در جستجوی در اینترنت در رأس قرار دارند عبارتند از: (۱) مانع طلاق خود شوید یا عاشق خود را طرد نکنید؛ (۲) پیشرفت در حقوق همجنس‌بازی؛ (۳) هدیه ازدواج در آخرین دقیقه؛ (۴) زوجین در سمینار آخر هفته عمق بخشیدن به صمیمیت و عشق را فرا می‌گیرند؛ (۵) دعوت‌های مطلوب ازدواج؛ (۶) همسر خود را در اینترنت پیدا کنید؛ (۷) سایت شخصی عشق به قیمت تفریح و نحوه استفاده آسان؛ (۸) طالب ازدواج با آن شخص استثنایی؛ (۹) عضویت طلایی را

انتخاب کنید (۹۹/۹۵ دلار آمریکا) و به بیش از سه هزار شماره تلفن مستقیم و نشانی پست الکترونیکی زنان روسی مایل به ازدواج را که عکسشان و آخرین اطلاعاتشان موجود است، دسترسی پیدا کنید. جستجویی در کتابهای ازدواج در سایت آمازون اینگونه جواب می‌دهد که دو مورد از محبوب‌ترین و پرطرفدارترین نتایج عبارتند از: "اما سوترای بالینی: ۲۳ وضعیت برای لذت و شور و هیجان جنسی" و "وضعیت روز: رابطه جنسی در هر روز و به هر صورت." از ده کتاب اولی که در میان ۸۳۶۸۸ قلم برای ازدواج یافت می‌شود، نیمی در مورد روابط جنسی است.^۱ جالبتر (و از نظر من مصیبت‌بارتر) است که ببینیم چگونه رسانه‌های گروهی با موضوع ازدواج و همسریابی برخورد می‌کنند. اکثراً بر خصوصیات جنسی و عنصری شخص تأکید دارند و به نظر می‌رسد نگرش و تفکری غیر واقع‌بینانه و زیانبار را در مورد انتخاب همسر مورد تشویق قرار می‌دهند. تصاویر ذهنی و تفکرات ما در مورد ازدواج و روابط عاشقانه موجب ناامیدی، آسیب‌ها و بی‌عدالتی‌ها شده است. صنعت ازدواج یک‌شبه مانند قارچ رشد کرده و نتیجه آن چنین بوده که افراد بیشتری وقت و منابع بیشتری را صرف جفت‌گیری می‌کنند تا عقد و ازدواج رسمی. برای مقابله با تأثیرات فراگیری که امروزه بر افکار و ارزش‌های ما اثر می‌گذارد و برای عرضه آنچه که معتقدم هدایت سالم و بی‌خطر در مورد انتخاب همسر برای ازدواجی موفق است ذیلاً برخی از هدایاتی را که در این خصوص در آثار بهائی مشاهده می‌شود، نقل می‌کنم. از مطالعات علمی نیز که به طور تجربی عواملی را مطرح می‌کنند که به نظر می‌رسد در ازدواج‌های طولانی‌تر و موفق‌تر مؤثر و با آنها مرتبط باشند، نیز موجود است.

نزول حکم ازدواج

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "و اما مسأله ازدواج. بدان که امر ازدواج ابدی است. تغییر و تحول ابداً در آن راه نیابد. این خلقت الهی است و ابداً امکان ندارد تغییر و تحول در این خلقت الهی اثر گذارد." (ترجمه - جلد ثانی Tablets of Abdu'l-Baha، ص ۴۷۴)

^۱ توضیح مترجم: در اینجا نویسنده به نام دو کتاب راهنمای روابط جنسی غیرعادی اشاره دارد که چون با ادبیات امری و حرمت قلم منافات دارد، از ذکر آنها خودداری شد. او اظهار می‌دارد که این دو کتاب در ردیف نهم و دهم قرار دارند.

و می‌فرمایند، "ای خداوند بی‌مانند به حکمت کبرایت اقتران در بین اقرا ن مقدّر فرمودی تا سلاله انسان در عالم امکان تسلسل یابد و همواره تا جهان باقی به عبودیت و عبادت و پرستش و ستایش و نیایش درگاه احدیت مشغول و مألوف گردند." (مجموعه مناجات‌های چاپ آلمان، طبع ثانی، ص ۴۵۵)

در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم شده، "تعالیم دیانت بهائی ازدواج را برای هر فرد عاقل و سالم و از لحاظ اجتماعی آگاه و مسئول، راهی طبیعی و عادی تلقی می‌کند و نه تنها آن را ترغیب و تشویق می‌نماید، بلکه تا حدّ یک تأسیس الهی ارتقاء می‌بخشد و هدف اساسی و مقدّسش را استمرار نسل انسان، که اعلیٰ ثمره کلّ خلقت است، و اعتلای آن به مقام و رتبه‌ای می‌داند که ذات الهی برایش مقدّر فرموده است.

اما، بدیهی است نفوسی هستند که به دلیل بعضی نقائص جدی جسمی یا روحی قابلیت ازدواج و بهره‌مند شدن از مواهب زندگی مشترک پایدار و موفقیت‌آمیز را ندارند، اما اینگونه نفوس تنها بخش بسیار جزئی و کوچکی از عالم انسانی را تشکیل می‌دهند و بدین لحاظ صرفاً استثناء محسوب می‌شوند، و وضعیت آنها ابداً نمی‌تواند آنچه را که حکمت و محبت و مشیت سبحانی طریقی عادی و معمول برای تحقق حیات اجتماعی ثمربخش و سازنده مقدّر فرموده، نقض نماید و بی‌اعتبار شمارد.

شرایط و موقعیت دقیقی که ایجاب می‌کند به اینگونه نفوس فاقد قابلیت لازم توصیه شود از مبادرت به ازدواج خودداری نمایند یا حتی از اقدام آنها به تأهل ممانعت گردد، در آثار مبارکه تصریح نشده، اما بعداً توسط بیت‌العدل اعظم تعریف خواهد شد. در این ضمن، نفوسی از احباء که خود را در زمره اینگونه نفوس محسوب می‌نمایند، احسن و اولی آن که، قبل از اتخاذ تصمیم نهایی، با متخصصین امر طب، که هم ناظر به وجدان خویش و هم متبحر و صاحب صلاحیت باشند، مشورت نمایند و به موجب توصیه‌های آنها عمل کنند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره‌های ۹۵۰ و ۱۲۶۲)

در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۴۰ از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم شده، "حضرت ولی امرالله سؤالی را که شما در خصوص مسأله ازدواج و نادر بودن آن در میان احباء به طور اعم مطرح کرده بودید، ملاحظه فرمودند. قطعاً موجب تأسف عمیق ایشان است که بعضی از جوانان بهائی آنچنان که شاید و باید برای امر ازدواج اهمیتی قائل نیستند و به نظر می‌رسد، همانطور که شما اظهار داشتید، تحت تأثیر این تصور باشند که زندگی زناشویی در امر مبارک مورد تشویق و ترغیب قرار نگرفته است. این مسلماً استنباطی نادرست است و هر نفسی که با جدیت و پشتکار به مطالعه دقیق و مجدانه بیانات حضرت بهاءالله بپردازد و بر مفاهیم آنها دقت و تأمل نماید، نسبت به این حقیقت یقین تام خواهد یافت که در امر بهائی ازدواج، و بخصوص حیات عائله، هر دو نه تنها مستحسن و ممدوح است، بلکه عبارت از اقدامی اجتماعی در اعلیٰ درجه اهمّیت و امری حیاتی است، زیرا فقط از این طریق است که استمرار نسل انسان میسر می‌گردد.

احباء باید کاملاً واقف باشند که اگرچه حضرت بهاءالله ازدواج را وجوب قطعی نبخشیده‌اند، اما آنچنان اهمّیت روحانی و اجتماعی به آن داده‌اند که هیچ فرد بهائی، تحت شرایط عادی، نمی‌تواند در امتناع از اجرای آن کاملاً موجه باشد. در واقع، حضرت بهاءالله در کتاب احکام خود مؤکداً اهمّیت ازدواج را مورد توجه قرار می‌دهد، و هدف اساسی آن را تشریح می‌فرمایند؛ یعنی ولادت فرزندان و

تعلیم و تربیت آنها در شریعة الله که سبب شود آنها به عرفان و عبادت الهی نائل گردند و به ذکر و ثنای اسم حضرتش بپردازند. (ترجمه - جلد دوم *Compilation of Compilations* صفحه ۴۴۷)

در یادداشت‌ها و توضیحات کتاب مستطاب اقدس (طبع مرکز جهانی)، ص ۱۶۸ (فقره ۹۱) آمده است: "گرچه امر ازدواج در کتاب مستطاب اقدس نازل گردیده، ولی به صریح بیان حضرت بهاء الله این حکم واجب نیست (سؤال و جواب، فقره ۴۶). حضرت ولی امر الله نیز در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر گشته می‌فرمایند که ازدواج به هیچ وجه از واجبات نیست و اتخاذ تصمیم درباره تأهل و یا تجرد مآلاً به افراد راجع است. اگر شخصی برای اختیار همسر مناسب مدتی طولانی صبر نماید و یا به کلی مجرد بماند، نباید تصور نمود که آن شخص به مقصد غائی حیات خویش که اصولاً امری است روحانی واصل نگردیده است.

حضرت بهاء الله می‌فرمایند، "فلما أراد نظم العالم و اظهار الجود و الکرّم علی الامم شرع الشرائع و اظهار المناهج و فيها سنّ سنّة النکاح و جعله حصناً للنجاح و الفلاح و أمرنا به فيما نُزّل من ملکوت المقدّس فی کتابه الأقدس قوله عزّ کبریاة «تزوجوا یا قوم لیظهر منکم من یدکرني بین عبادی؛ هذا من امری علیکم اتّخذوه لأنفسکم معیناً.»" (خطبه ازدواج)

یافتن جفت زندگی

در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۵۴ حسب الامر حضرت ولی امر الله مرقوم گردید، "در امر بهائی هیچ بیان یا تعلیمی دال بر وجود "جفت شخص" نیست. مقصود این است که ازدواج باید به چنان رابطه دوستانه عمیق روحانی منجر شود که تا عالم بعد که در آن مسائل جنسی مطرح نیست و دهش و پذیرش در امر ازدواج وجود ندارد، دوام یابد؛ درست همانطور که ما باید پیوند عمیق روحانی با والدین، فرزندان، برادران و خواهران، و دوستان برقرار کنیم که ابدی باشد، نه آن که صرفاً پیوند روابط عنصری بشری باشد. (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۶۸۹)

احکام ازدواج در کتاب اقدس

برخی از احکام در کتاب اقدس برای کلیه آحاد احباء قابلیت اجرا ندارد. مواردی که وجود دارد علائم، موازین و آزمایش‌هایی برای رفاه دنیا و امنیت و سعادت اهل آن به دست می‌دهد. در کتاب تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس (ص ۲۰-۱۸) ملاحظات زیر بیان شده است. بسیاری از هدایاتی که در آثار بهائی موجود بر مبنای این احکام است.

۳-۱ ازدواج

۳-۱-۱ نکاح از مندوبات است یعنی قویاً توصیه شده ولی شرعاً واجب نیست

۳-۱-۲ تعدد زوجات نهی است

- ۳-۱-۳ شرط جواز ازدواج آن است که طرفین به سنّ بلوغ شرعی یعنی ۱۵ سالگی رسیده باشند.
- ۳-۱-۴ ازدواج مشروط به رضایت طرفین و ابوبین است خواه زوجه باکره باشد یا نباشد.
- ۳-۱-۵ قرآنت آیه مخصوصه که مُشعر بر رضایت به مشیت الهی است بر طرفین فرض است.
- ۳-۱-۶ ازدواج با زن پدر حرام است.
- ۳-۱-۷ کلیه مسائل مربوط به ازدواج با اقارب به امنای بیت‌العدل راجع است.
- ۳-۱-۸ ازدواج با غیربھائی جائز است.
- ۳-۱-۹ نامزدی:

۳-۱-۹-۱ دوران نامزدی نباید از ۹۵ روز تجاوز کند

۳-۱-۹-۲ نامزد شدن با دختر، قبل از آن که به سنّ بلوغ برسد حرام است.

۳-۱-۱۰ مہرّیہ

۳-۱-۱۰-۱ تحقّق ازدواج معلق به اداء مہر است.

۳-۱-۱۰-۲ میزان مہر ۱۹ مثقال طلای خالص برای اهل مدن و ۱۹ مثقال نقره برای اهل قری

است بر حسب محلّ سکونت دائمی زوج نه زوجه.

۳-۱-۱۰-۳ تجاوز از ۹۵ مثقال حرام است.

۳-۱-۱۰-۴ قناعت به ادای ۱۹ مثقال نقره احسن و اولی است.

۳-۱-۱۰-۵ اگر پرداخت کامل مہر ممکن نباشد صدور قبض مجلس^۱ جائز است.

برای هر امری نشانه‌ای وجود دارد

حضرت عبدالبہاء می‌فرمایند، "پروردگار عالمیان از برای هر شیء علائم و آثاری خلق فرموده و محکّ و امتحانی مقرر داشته..." (رساله مدتیہ، ص ۴۱)

و می‌فرمایند، "حضرت بہاء‌اللہ می‌فرمایند در هر امری (از سوی خداوند) علامتی وجود دارد؛ علامت هوش و درایت عبارت از تعمق و تفکر است و علامت تعمق و تفکر صمت و سکوت است؛ چه که انجام دادن دو کار در آن واحد برای انسان مستحیل و محال است. انسان نمی‌تواند صحبت کند و در عین حال تعمق و مذاقہ داشته باشد. (ترجمہ - خطابه ۱۲ ژانویہ ۱۹۱۳ در لندن - Paris Talks، ص ۱۷۴)

علائم، نمادها، معیارها و آزمایش‌های ازدواج

علائم، نمادها، معیارها و آزمایش‌ها برای انتخاب همسر جهت ازدواجی سعادت‌مند و موفق چیست؟ بعضی از آنها ممکن است به طرق غیرمنتظره به دست آید و ممکن است به تنهایی چندان اهمیّت نداشته باشند، امّا، وقتی در کنار هم قرار گیرند، نشان می‌دهند کدام مسیر عملی را باید طیّ کرد. بعضی از علائم بسیار ظریفند و به نمادهایی بستگی دارند که ریشه فرهنگی دارد. کلمات، حرکات سر و دست و اعمال نشان دهندهٔ خصلت‌ها و خصوصیات هستند که ممکن است

^۱ سند ذمّہ‌ای، قبض عندالمطالبہ، یا سفته

مشهود نباشند. گاهی اوقات ما آنقدر امیدواریم که به مقصدمان نائل گردیم که علائم را به دقت نمی‌بینیم و در عوض توسط امیال و هواهای خود هدایت می‌شویم.

آثار بهائی علائم، نمادها، معیارها و آزمایش‌های متعددی را برای انتخاب همسر جهت ازدواجی موفق و سعادتمند به دست می‌دهند. اینها را می‌توان مورد غور و بررسی قرار داد و به کار برد و بعد تعیین کرد که آیا علائم، نمادها، معیارها و آزمایش‌های ازدواج وجود دارند و در صورتی که جواب مثبت است چگونه وجود دارند. ذیلاً هر یک از علائم عرضه و به اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد. هیچکس به طور کامل و تمام حائز شرایط یک علامت نیست، تا چه رسد به همه علائم، اما، حداقل دستیابی رضایت‌بخش به هر یک از آنها برای ازدواجی موفق لازم خواهد بود. بعضی از علائم ممکن است عرف عام یا غیرضروری به نظر برسد، اما انتخاب همسر و شرایط ازدواج از فرهنگی تا فرهنگ دیگر بسیار متفاوت است.

پیش شرط‌ها و شرایط لازم قبل از ازدواج

۱- رسیدن به سن بلوغ

الف - سن

حداقل سن برای نامزدی و ازدواج ۱۵ سالگی تعیین شده است.

"نامزد شدن با دختر قبل از آن که به سن بلوغ برسد، حرام است." (تلخیص و تدوین، ص ۱۹)

۹۲- سؤال: حد بلوغ شرعی در رساله مسائل فارسیه سنه ۱۵ تعیین شده. آیا زواج نیز مشروط به بلوغ است یا قبل از آن جائز.

جواب: چون در کتاب الهی رضایت طرفین نازل و قبل از بلوغ رضایت و عدم آن معلوم نه، در این صورت زواج نیز به بلوغ مشروط و قبل از آن جایز نه. (کتاب اقدس، ص ۷۰)

از بیان فوق معلوم می‌شود که رضایت هر دو طرف لازم است و این که قبل از بلوغ، رضایت یا عدم رضایت را نمی‌توان محقق ساخت. آیا انسان ضرورتاً در سن ۱۵ سالگی به بلوغ می‌رسد؟ بیان زیر به این موضوع می‌پردازد:

در خصوص سنّ پانزده سالگی که حضرت بهاء‌الله تعیین فرموده‌اند؛ این فقط به فعالیت‌ها و وظائف کاملاً روحانی مربوط می‌شود و با میزان قابلیت و صلاحیت اداری، که امری بالمره متفاوت و در حال حاضر، بیست و یک سالگی تعیین شده، ارتباطی ندارد. (ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله مندرج در صفحه ۱۲ Principles of Baha'i Administration)

سنّ بلوغ فعلاً فقط به وظائف دینی بهائی مربوط می‌شود. در سایر موارد قانون مدنی هر کشور ملاک است. سنّ بلوغ اداری در جامعه بهائی، فعلاً، ۲۱ سالگی است. (ترجمه - فهرست مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ تهیه شده توسط بیت‌العدل اعظم از احکامی که فعلاً در سراسر جهان تنفیذ نشده است.)

حضرت بهاء‌الله به ما توصیه می‌فرمایند از جوانان جامعه اسم اعظم به مراتب قبل از وصول به بلوغی که مشخصه بقیه اجتماع است، انتظار داشته باشیم. (ترجمه - پیام ۲۴ مه ۲۰۰۱ بیت‌العدل اعظم)

اطفال در کلیه ممالک، از هر ملیت و طبقه‌ای، که به سنّ پانزده سالگی برسد اجرای این حکم [صوم] بر او واجب است. این امر به این که در کشوری دیرتر از کشور دیگر به سنّ بلوغ می‌رسند، ارتباطی ندارد. حکم حضرت بهاء‌الله، کلی و عمومی است و ناظر به اختلاف سنّ بلوغ در ممالک مختلف و مهم متفاوت نیست. (ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله به تاریخ ۹ مارس ۱۹۳۷ / انوار هدایت، شماره ۷۷۶)

... نشو و نمای جمیع کائنات به تدریج است. این قانون کلی الهی و نظم طبیعی است. (مفروضات، ص ۱۵۱)

چه بسیار اطفال خردسالی که رشید و بالغند و چه بسیار نفوس سالمندی که نادان و جاهلند. رشد و بلوغ به عقل و درایت است نه به سنّ و طول عمر. (ترجمه - Tablets of Abdu'l-Baha، ص ۱۸۰)

فی‌المثل مادری را ملاحظه نمایید که بیست سال با کمال شفقت و ملاحظت به تربیت پسر می‌پردازد تا به رشد و بلوغ برسد. (ترجمه - خطابه ۲۵ اکتبر ۱۹۱۲ / صفحه ۳۷۵ Promulgation)

جوان بهائی که به سن پانزده سالگی رسیده، شخصاً مسئول بعضی اعمال روحانی از قبیل اجرای فریضه صلات یومیه و صوم است و از آنها دعوت می‌شود در فعالیت‌های جوانان بهائی شرکت کنند. اما، اهمیت سنّ بلوغ، امری به مراتب فراتر از عمل به موجب مسئولیت‌ها است. (ترجمه - پیام ۱۱ آوریل ۱۹۸۵ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم)

اتخاذ تصمیم در مواردی چون سنّ ازدواج یا نحوه اجرای تعهدات اقتصادی به خود فرد واگذار شده است. اما، احبّاء در صورتی که ضرورت مشورت و کسب هدایت را احساس می‌کنند نباید در رجوع به محفل روحانی محلی ابداً تأمل و درنگ نمایند. (ترجمه - مکتوب ۲۲ مه ۱۹۶۶ معهد اعلی)

ب - بلوغ

بخشی از لوح مبارک حضرت عبدالبهاء که ذیلاً نقل می‌گردد وصول به بلوغ را با عمیق شدن درک و برداشت شخص از واقعیت‌های زندگی، و تقویت نفس قابلیت او برای درک و فهم را مرتبط می‌سازد:

بدان که قبل از بلوغ، زندگی انسان مبتنی بر امور روزمره است و هر آنچه را که سطحی است و وضوح ظاهری دارد ادراک می‌کند. اما، وقتی به بلوغ می‌رسد ادراک واقعیت اشیاء و حقایق باطنیه را می‌کند. مسلّم است که در ادراکش، احساساتش، استنتاجش و اکتشافاتش، هر یوم زندگی او بعد از بلوغ برابر است با یک سال قبل از آن. (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء که در پیام ۱۱ آوریل ۱۹۸۵ دارالانشاء نقل شده است. ترجمه متفاوت انگلیسی در صفحه ۱۶۶ Tablets of Abdu'l-Baha درج است که در صفحه ۹ همین اثر نیز آمده است.)

علائم و شرایط دیگری نیز در رابطه با بلوغ در آثار مبارکه نقل شده که به این موضوع مربوط می‌شود. آثار بهائی به علائم متعدّد بلوغ اشاره دارد. علائم بلوغ به تحولات جسمانی، عقلانی و روحانی مربوط می‌شود. درست همانطور که نوع انسان تکامل می‌یابد تا به این مرحله رشد و کمال می‌رسد، افراد از مراحل مشابه می‌گذرند تا به رشد و کمال ماهوی می‌رسند.

از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود و بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر و هویدا. (کلزار تعالیم بهائی، ص ۲۷۳ / مائده آسمانی، ج ۸، ص ۶۰)

اگر بیانات حضرت بهاءالله را به درستی ادراک کنیم چنین دریابیم که همان تغییرات نهانی و توصیف‌ناپذیر و جامع‌التأثیری که با دوره بلوغ جسمانی یک فرد همراه و مثلاً برای رسیدن میوه درخت لازم است، برای تکامل نظام جامعه انسانی نیز ضرورت می‌یابد. (نظم جهانی بهائی، ص ۱۰۲)

عالم انسان، حال، به هیجان و التهایی دچار است که با سخت‌ترین دوره تکاملش، یعنی دوره بلوغش، ملازمت دارد؛ دوره‌ای که غرور جوانی و سرکشی‌اش به حدّ اعلی رسیده، به تدریج فروکش می‌کند و آرامش و معقولیت و متانت که مخصوص دوره بلوغ است به جایش می‌نشیند. (همان مأخذ، ص ۱۶۳)

درست همانطور که هیكل طبیعی انسان با وصول به دوران بلوغ، به اکمل درجه قوای جسمانی می‌رسد و استعداد و قوای فکری و عقلانی به کمال نائل می‌آید به طوری که در یک سنه از این دوران رسیدگی، توسعه و ترقی بی‌سابقه ملحوظ می‌گردد، همینطور عالم انسانی در این سیر به سوی کمال به ترقیّات فوق‌العاده و لانهایه نائل می‌شود و قوای مترقی مکنون در حقیقت انسانی که

موهوبه الهیه است، روح عمومی ظاهری، مثل قوه فکریه و عقلیه، به اشد کمال ظاهر و آشکار گردد. (ترجمه - خطابه ۲۱ آوریل ۱۹۱۲)

طفل رضیع تدرج در مراتب جسمانی نمود و نشو و نما کرد تا آن که جسم به درجه بلوغ رسید؛ چون به درجه بلوغ رسید، استعداد ظهور کمالات معنویه و فضائل عقلیه حاصل نمود و آثار مواهب ادراک و هوش و دانش ظاهر شد و قوای روحانی جلوه کرد. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۱۰)

عالم انسانی به قوای عقلیه و قوای مادیه تنها ترقی نکند بلکه به جهت ترقی صوری و معنوی و سعادت فوق العاده انسانی نفثات روح القدس لازم است و باید قوه الهیه یعنی روح القدس تأیید کند و توفیق بخشد تا آن که هیأت بشر ترقیات فوق العاده نموده به درجه کمال برسد؛ زیرا جسم انسان محتاج به قوای مادیه است، ولی روح انسان محتاج به نفثات روح القدس است و اگر تأییدات روح القدس نبود، عالم انسانی خاموش می شد و نفوس انسانی مرده بود. چنانچه حضرت مسیح می فرماید، "مرده را بگذار مرده ها دفن کنند" و "آنچه از جسد مولود شده است آن جسد است و آنچه از روح مولود شده آن روح است." و این معلوم است که روحی که نصیبی از نفثات روح القدس ندارد، آن میت است. لهذا واضح شد که روح انسانی محتاج به تأییدات روح القدس است و الا به قوای مادیه تنها انسان ترقیات تامه ننماید، بل ناقص می ماند. (خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۱۵۱-۱۵۰)

بدان که انسان قبل از وصول به بلوغ (روحانی) ایام عمر سپری می کند و فقط جزئی از امور را درک می کند که امور ظاهری و واقعیات بدیهی است. از لحاظ ادراک، فهم، شعور، پی بردن به حقایق امور و اکتشافات، هر روز بعد از بلوغ معادل است با یک سال قبل از آن. (ترجمه - *Tablets of Abdu'l-Baha*، ص ۱۶۵)

فی المثل، اطفال هر قدر خوب و پاک و خالص باشند، هر قدر جسمی سالم داشته باشند، معهذاً، ناقص محسوب می شوند چه که قوای فکریه و عقلیه در آنها کاملاً به ظهور نرسیده است. زمانی که قوه عقلیه بتمامه اثر و نفوذ خود را به منصفه ظهور رساند و آنها به سن بلوغ برسند، کامل تلقی می شوند. همینطور، انسان، هر قدر در امور دنیوی ترقی کند و در مدنیت مادیه پیش برود، مادام که به فیوضات روح القدس بیدار نشده ناقص است؛ چه که معلوم و مشهود است مادام که از قوه محرکه الهیه نصیب نبرده جاهل و محروم است. به این سبب است که حضرت مسیح فرمود، "اگر کسی از آب و روح مولود نگردد ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود."^۱ مقصود حضرت مسیح آن بود مادام انسان از دنیای مادی خلاصی نجوید، از اسارت مادیت آزاد نشود و از فیوضات عالم روحانی بهره نبرد، از فضائل و الطاف ملکوت الله محروم ماند، و نهایت کلامی که در مورد او می توان گفت این است که حیوان کامل است. (ترجمه - خطابه اول سپتامبر ۱۹۱۲)

^۱ انجیل یوحنا، باب ۳، آیه ۴

اصول، امور اداری و مبانی امر مبارک کاملاً معلوم است، اما ضرورت تام دارد که احباً به مطالعه آثار عمیق‌تر پردازند، که به میزان بیشتری آنها را به بلوغ روحانی رساند، حیات جامعه آنها را وحدت بخشد، و آنها را به احسن وجه قادر سازد که ممثّل حیات بهائی گردند؛ به عبارت دیگر، متخلّق به حیات بهائی شوند. (ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله، صفحه ۲۲۷ جلد ۱ *Compilation*)

... توجه شود به این که بلوغ موجد قابلیت برای اداره بهتر امور و قضاوت صحیح تر است. (ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله، مورخ ۲۳ اکتبر ۱۹۴۹ مندرج در "شکوفایی قوه عمل")

جمع کائنات مرتبه یا مرحله بلوغی مخصوص دارند. بلوغ شجر در وقتی است که ثمر ظاهر شود. بلوغ نبات زمانی است که به گل و شکوفه بنشیند. حیوان نیز مرحله رشد و کمالی دارد و در عالم بشر بلوغ در وقتی است که عقل و درایت انسان به اعظم درجه رشد و قوت رسد. انسان از بدایت عمر الی خاتمه آن از ادوار یا مراحل عبور کند که هر یک از آنها شرایط مخصوص به خود را دارد. فی‌المثل در اوان طفولیت، شرایط و مقتضیات آن دوران، میزانی از هوش و قابلیت است. بعد از مدتی او به اوان جوانی می‌رسد، که شرایط و حوائج سابق جای خود را به حاجات جدید می‌دهد که آن میزان از ترقی او ایجاب می‌کند. استعداد مشاهده و ملاحظه در او توسعه و عمق می‌یابد؛ استعداد و درایتش تعلیم یافته و بیدار می‌شود؛ محدودیت و محیط طفولیت دیگر قوا و توفیقات او را محدود نمی‌کند. نهایتاً از اوان شباب می‌گذرد و به مرحله یا مقام بلوغ واصل می‌شود که مستلزم تحوّل دیگر و انطباق با ترقیات در حیطة فعالیت اجتماعی اوست. محاط به قوا و ادراکات جدید شود، تعلیم و تربیت متناسب با ترقی او ذهنش را به خود مشغول سازد، فیوضات و عنایات مخصوصه متناسب با کمالات متزایده نازل شود، و دوره سابق شباب و شرایط آن دیگر کفایت بینش و اندیشه دوران بلوغ او را ننماید. (ترجمه - خطابه ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲)

نطفه انسان در رحم مادر شبهه‌ای نیست که نطفه بشر یک دفعه این صورت نیافته و مظهر فتبارک‌الله احسن‌الخالقین نگشته لهذا به تدریج حالات متنوعه پیدا نموده و هیأت‌های مختلفه یافته تا این که به این شمائل و جمال و کمال و لطافت و حلاوت جلوه نموده. (مفاوضات، ص ۱۳۹)

هرج و مرج کنونی عالم، که نشان‌دهنده شتابزدگی، بلاهت، و عصیان و تمرّد، یعنی خصیصه مرحله نوجوانی توسعه، و منادی عصر ذهبی بلوغ نوع بشر است که از دیرباز انتظارش را داشته، به نحوی بی‌امان در حال انتشار و به نحو رنج‌آوری در حال شدت گرفتن است. (ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله در صفحه ۴۳ *Messages to America*)

با مشارکت در خیر عموم است که فرد به کسب بلوغ روحانی حقیقی نائل می‌گردد. (ترجمه - بیانیه ۱۸ فوریه ۱۹۹۸ جامعه بین‌المللی بهائی با عنوان *Valuing Spirituality in Development*)

۲- شناخت خویشتن یا معرفت نفس

معرفت نفس شالوده هر رابطه مفید و ثمربخشی است. بدون شناخت خویشتن، شما قادر نخواهید بود به نحوی صحیح و دقیق تعیین کنید که آیا علائم در شما یا ارتباط شما وجود دارد یا خیر.

طراز اوّل و تجلّی اوّل که از افق سماء ام‌الکتاب اشراق نموده در معرفت انسان است به نفس خود و به آنچه سبب علو و دنو و ذلت و عزّت و ثروت و فقر است. بعد از تحقّق وجود و بلوغ ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و اقرار حاصل شود نزد اهل خرد ممدوح و مقبول است؛ مخصوص عبادی که بر تربیت عالم و تهذیب نفوس امم قیام نموده‌اند. (مجموعه اشراقات، ص ۱۴۹)

به شما توصیه می‌شود که در تحصیلات خود، در ادعیه خویش برای حل مشکلاتان، و در تعمق و تفکر که موجب تمهید هدایت و اطمینان می‌گردد مداومت نمایید، زیرا درک خویشتن و پی بردن به روابط خود با دیگران از جمله مواردی است که در آثار مبارک ذکر شده و در اعمال و رفتار مثل اعلاّی ما، حضرت مولی‌الوری، مشهود است.

شما و همسران در استمرار مشاوره با مشاورین متخصص ازدواج، به طور انفرادی یا در صورت امکان با هم، ابداً نباید درنگ کنید و نیز از مشورت حمایتی که می‌تواند از سوی دوستان خردمند و دانای شما تأمین گردد، استفاده نمایید. مشاوره غیربهای می‌تواند مفید باشد، اما معمولاً لازم است از بینش بهائی برخوردار گردد.

سؤال کرده‌اید چگونه با خشم مقابله کنید. بیت‌العدل اعظم پیشنهاد می‌کنند که وصایای موجود در آثار مبارک در مورد لزوم اغماض نسبت به قصور دیگران را به خاطر بیاورید؛ اشتباهات دیگران را مورد عفو و ستر قرار دهید، صفات ناپسند آنها را بر ملا نکنید، بلکه به تحرّی مدایح و تحسین آنها پردازید، و سعی کنید همیشه بردبار، شکیبا، صبور و مهربان باشید. فقراتی از قبیل آنچه که از مکاتیب نوشته شده از طرف حضرت ولی محبوب امرالله استخراج شده و ذیلاً نقل می‌گردد، می‌تواند مفید باشد:

در هر نفسی صفات و سجایای ممدوح و پسندیده‌ای وجود دارد که می‌تواند مورد تحسین و تمجید قرار دهیم و به آن علّت به آنها محبت داشته باشیم؛ و شاید، اگر تصمیم بگیرید فقط به این سجایا که همسر شما دارا است فکر کنید، به بهبود وضعیت کمک خواهد کرد ... شما باید افکار خود را از آنچه که سبب کراهت شما می‌شود دور کنید و همیشه دعا کنید حضرت بهاءالله شما را مدد فرماید. بعد، در خواهید یافت که محبت خالص، که خداوند منشأ آن است، و هنگامی که آثار مبارک را می‌خوانیم و مطالعه می‌کنیم ما را مشتعل می‌سازد، بیش از هر امر دیگری سبب حرارت و درمان کدورت‌ها می‌شود. هر یک از ما فقط مسئول یک حیات است، یعنی حیات خویشتن. هر یک از ما از "کمال مطلق" که پدر آسمانی ما دارا است "بغایت دور هستیم. و وظیفه به کمال رساندن زندگی و شخصیت خود یکی از مواردی است که مستلزم بذل تمام توجه، قدرت اراده و نیروی ما است ... (ترجمه - بیان بیت‌العدل اعظم، مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹، مندرج در ص ۴۵۵ ج ۲ *Compilation*)

۳- تسلط بر نفس خویشتن

ای قوم به قوت ملکوتی بر نصرت خود قیام نمایند که شاید ارض از اصنام ظنون و اوهام که فی الحقیقه سبب و علت خسارت و ذلت عباد بیچاره‌اند پاک و ظاهر گردد. این اصنام حائلند و خلق را از علو و صعود مانع. (لوح دنیا؛ مجموعه الواح، ص ۲۸۸)

هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود. مثلاً حریت و تمدن و امثال آن مع آن که به قبول اهل معرفت فائز است، اگر از حد اعتدال تجاوز نماید سبب و علت ضرر گردد. (لوح مقصود، ص ۱۴)

جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند. لعمرالله شئون درنده‌های ارض لایق انسان نبوده و نیست. شأن انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود. (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۴۰)

این مسأله منازعه بقا سرچشمه جمیع بلاهاست و نکبت کبری. (لوح لاهه، مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۷)

الف - عفت و عصمت

لزومی ندارد فکر خود را در درک مفاهیم عفت و عصمت بی‌شائبه و کمال مطلق در ازدواج که در آثار مبارکه ذکر شده، حصر نماییم. زیرا این تعالیم در آثار مقدسه و توقیعات حضرت ولی محبوب امرالله به وضوح تام و به وفور تمام مطرح و توضیح داده شده است. تصمیم‌گیری در مورد موضوعاتی مانند سن ازدواج و نحوه اجرای تعهدات اقتصادی به عهده خود فرد واگذار شده است. اما، آحاد احباء در صورتی که در چنین مواردی احساس نیاز نمایند، نباید در مراجعه به محافل روحانی محلی خود برای مشورت و کسب هدایت ابداً درنگ نمایند. با ازدیاد آلام و ناآرامی‌هایی که عالم انسانی را مبتلا نموده، و از بین رفتن محدودیت‌های اخلاقی یکی پس از دیگری، احباء باید دریابند چگونه، با مطالعه و دعا و مناجات، بینشی واضح‌تر نسبت به رسالت خود بیابند و مشتاقانه تلاش نمایند زندگی خود را از تأثیر خمودت و بی‌بندوباری جنسی که خصیصه اجتماع امروزی است مطهر و منزّه نگه دارند و اطمینان داشته باشند که حیثیت و حسن شهرت امر مبارکی که به آن خدمت می‌کنند و بسیار به آن عشق می‌ورزند، همچنان از هر آلاشی محفوظ و مصون باقی می‌ماند. (ترجمه - مکتوب ۲۲ مه ۱۹۶۶ بیت العدل اعظم به دو تن از احباء / انوار هدایت، شماره ۱۲۰۸)

و اما در خصوص وجوه مثبت عفت و عصمت، بیت العدل اعظم می‌فرمایند که امر بهائی ارزش سائقه جنسی را تصدیق می‌کند و معتقد است که نهاد ازدواج به عنوان وسیله‌ای جهت بروز مشروع آن تأسیس شده است. بهائیان معتقد نیستند که سائقه جنسی باید سرکوب شود بلکه باید تحت نظم و انضباط در آید.

عفت و عصمت به هیچ‌وجه به معنای عزلت‌گزیدن و ترک روابط انسانی نیست. بلکه نفوس را از بی‌عدالتی در استفاده پیوسته از روابط جنسی رهایی می‌بخشد. نفسی که بر سائقه جنسی خود تسلط

نام دارد قادر است، بدون ملوث کردن پیوند ارزشمند و بی‌مثیلی که باید زن و شوهر را وحدت بخشد، با بسیاری از نفوس، اعم از زن یا مرد دوستی عمیق و پایدار داشته باشد. (ترجمه - مکتوب ۸ مه ۱۹۷۹ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۵۰)

موازین امریه، علی‌الخصوص در مقایسه با اخلاقیات کاملاً فاسد جهان امروز، بسیار متعالی‌اند. بلکه، این موازین موجد نفوسی سالم‌تر، مسرورتر و شریف‌تر، و ازدواج‌هایی پایدارتر و برخوردار از ثبات بیشتر خواهند بود. (ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۱۲۱۰ / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۴۹)

و اما راجع به عفت و عصمت؛ این یکی از خطیرترین مفاهیمی است که در این عصر تسامح و بی‌بندوباری با آن مواجهیم، اما اهل بهاء، هر قدر که بذل مجهودات در این زمینه در بدایت امر مشکل به نظر برسد، باید نهایت سعی و تلاش خود را در جهت حمایت از موازین امریه به کار بَرند. اگر جوانان دریابند، همانگونه که درک صحیح از قوانین طبیعت شخص را قادر می‌سازد در کمال هماهنگی با قوای کره ارض زندگی نماید، مقصود از احکام و موازین امر مبارک نجات دادن آنها از مسائل و مشاغل روحانی و اخلاقی است، بذل چنین مجهوداتی به مراتب آسان‌تر خواهد شد. (ترجمه - مکتوب ۱۴ ژانویه ۱۹۸۵ از طرف بیت‌العدل اعظم به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۱۲۱۶ / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۴۷)

هنگامی که تأثیر اطاعت از احکام در زندگی فردی ملاحظه می‌گردد، باید به خاطر داشت که هدف از این زندگی آماده شدن برای جهان بعد است. در اینجا باید کف نفس و هدایت غرایز حیوانی را آموخت نه آن که برده آنها شد. زندگی در این عالم عبارت از سلسله‌ای از امتحانات و موقیبت‌ها، ناکامی‌ها و ترقیبات جدید روحانی است. گاهی اوقات طی مسیر ممکن است دشوار به نظر برسد، اما می‌توان به کرات و مرات مشاهده کرد نفسی که در کمال استقامت از شریعت حضرت بهاءالله تبعیت می‌کند، هر قدر هم که سخت و دشوار به نظر برسد، رشد روحانی می‌یابد، در حالی که کسی که در طلب مسرات ظاهری خود به احکام الهی بی‌اعتنایی می‌کند، مشاهده می‌شود پیرو اوهام و خیالات خویش است، یعنی به سعادت که طالب آن است واصل نمی‌شود، ترقیبات روحانی خود را به تعویق می‌اندازد و غالباً مشکلات تازه‌ای برای خود ایجاد می‌کند. (ترجمه - مکتوب ۶ فوریه ۱۹۷۳ بیت‌العدل اعظم خطاب به کلیه محافل روحانی ملی / انوار هدایت، شماره ۱۲۰۹ / *Compilation*، ج ۱، ص ۶۳)

مقصود حضرت بهاءالله از عفت و عصمت مسلماً بوسیدن را که در اجتماع امروز مرسوم است، شامل نمی‌شود. این امر برای اخلاقیات جوانان مضر است و غالباً آنها را به افراط رهنمون می‌سازد و امیالی را برمی‌انگیزد که شاید نتوانند در آن هنگام به نحوی مشروع از طریق ازدواج ارضاء نمایند و سرکوب آن نیز بر آنها فشار عصبی وارد می‌آورد.

موازین امریه، علی‌الخصوص در مقایسه با اخلاقیات کاملاً فاسد جهان امروز، بسیار متعالی‌اند. بلکه، این موازین موجد نفوسی سالم‌تر، مسرورتر و شریف‌تر، و ازدواج‌هایی پایدارتر و برخوردار از ثبات

بیشتر خواهند بود. (ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۱۲۱۰ / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۴۹)

از جمله اموری که دنیای امروز در آن مستغرق است، افراط در اهمّیت دادن به عشق جسمانی و فقدان ارزش‌های روحانی است. احباء باید، حتّی‌المقدور، سعی کنند این وضعیت را درک کنند و به معیارهایی به مراتب بالاتر از موارد مورد توجّه هم‌نوعان خود که، نمونه بارز کلیه ادوار منحط تاریخ هستند و برای جنبه کاملاً جسمانی انتخاب جفت و همسر تأکید فوق‌العاده قائلند، متمسک شوند. آنها، خارج از حیطه زندگی عادی و مشروع زناشویی، باید طالب برقراری پیوندهای محبت و دوستی باشند که ابدی و مبتنی بر حیات روحانی انسان است نه زندگی جسمانی او. این یکی از زمینه‌های بسیاری است که لازم است بهائیان سرمشق و نمونه باشند و طریقی را به سوی معیار حقیقی انسانی زندگی رهنمون گردند، که روح انسان تعالی یابد و جسم او ابزاری برای روح تعالی یافته‌اش باشد. بدیهی است که این مانع از برخورداری از ارتباط جنسی کاملاً عادی از طریق کاملاً مشروع ازدواج نخواهد بود. (ترجمه - مکتوب ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۱۲۱۱ / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۵۷)

این سؤال را مطرح کرده‌اید که پیوند عمیق محبت‌آمیز با شخصی غیر از همسر چه جایگاهی می‌تواند در زندگی شخص داشته باشد؛ این موضوع را با توجّه به تعالیم مبارکه به سهولت می‌توان توضیح داد. عفت و عصمت، قبل و بعد از ازدواج، به روابط جنسی مشروع و پرهیزگاران اشاره دارد؛ قبل از ازدواج پاکدامنی و عفت مطلق، و بعد از ازدواج وفاداری به همسری که شخص انتخاب کرده است. وفاداری در کلیه روابط جنسی، وفاداری در قول و عمل. (ترجمه - مکتوب ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۱۲۱۲ / *Compilation*، ج ۲، ص ۴۵۸)

مکتوب مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۷۳ شما را دریافت کردیم و می‌توانیم در مورد مسائلی که جوانان بهائی در تلاش برای زندگی منطبق با معیارهای رفتاری بهائی با آن مواجهند درک کنیم. شاید طبیعی باشد که در محیط گمراه‌کننده و عاری از اخلاق که جوانان بهائی در آن رشد می‌کنند، احساس نیاز به هدایاتی نمایند که کدام‌یک از دوستی‌ها مجاز و کدام‌یک غیر مجازند. اما، معتقدیم صدور هدایات تفصیلی در این خصوص توسط هر یک از تشکیلات بهائی بسیار غیرحکیمانه است. جوانان بهائی باید تعالیم مبارکه در مورد عفت و عصمت را مطالعه نمایند و با در نظر داشتن آنها از هر رفتاری که موجب تحریک شهواتی شود که آنها را به نقض تعالیم مبارکه وسوسه می‌کند، احتراز نمایند. در تعیین اعمالی که با توجّه به این ملاحظات برای آنها مجاز محسوب می‌شود، جوانان باید از قضاوت خویش یاری جویند و از هدایات وجدان خود و توصیه‌های والدین خویش تبعیت نمایند.

اگر جوانان چنین تقدیس و تنزیه شخصی را با مدارای عاری از هرگونه عیبجویی و خردگیری نسبت به دیگران به هم آمیزند، در خواهند یافت نفوسی که احتمالاً به انتقاد از آنها یا حتّی استهزاء آنها پرداخته‌اند، به موقع خود، به آنها احترام خواهند گذاشت. بعلاوه، آنها شالوده محکمی برای

سعادت زندگی زناشویی آتی خود تأمین خواهند کرد.. (ترجمه - مکتوب ۹ ژوئیه ۱۹۷۳ بیت العدل اعظم به یکی از محافل روحانی محلی)

و اما در خصوص سؤال شما که آیا شکل مشروعی برای ارضاء عرائز جنسی خارج از حیطه ازدواج وجود دارد یا خیر؛ طبق تعالیم بهائی هیچگونه روابط جنسی را نمی‌توان مشروع دانست مگر آن که بین اشخاصی صورت گیرد که طبق احکام و به طور قانونی ازدواج کرده باشند. خارج از زندگی زناشویی هیچگونه استفاده سالم و مشروعی از سائقه جنسی نمی‌توان نمود.

باید از طرفی درس کف نفس را به جوانان بهائی آموزش داد، که وقتی عملی گردد، بلا تردید تأثیر آموزنده و مؤثری در ارتقاء شخصیت و اصلاح رفتار به طور اعم خواهد داشت، و از طرف دیگر باید آنها را هدایت، بلکه تشویق نمود، که در اوان شباب و در زمانی که دارای قوای کامل جسمانی خود هستند، ازدواج نمایند. تردیدی نیست که عوامل اقتصادی غالباً مانعی جدی در ازدواج در عنفوان شباب محسوب می‌گردد اما در اکثر موارد جز بهانه‌ای بیش نیست و به معنای دقیق کلمه نباید بیش از حد بر آن تأکید نمود. (ترجمه - مکتوب ۱۳ دسامبر ۱۹۴۰ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت شماره ۱۲۱۴ / *Compilatin of Compilations*، ج ۱، ص ۵۶)

۴- رضایت والدین

انه قد حدّد فی البیان برضاء الطّرفین انا لما اردنا المحبّة و الوداد و اتّحاد العباد لذا علّقناه باذن الأبوين بعدهما لئلاّ تقع بینهم الضّغینه و البغضاء و لنا فیہ مآرب أخرى و کذلک کان الأمر مقضیا. (کتاب اقدس، بند ۶۵)

در توضیح این حکم حضرت ولی امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک صادر گشته چنین می‌فرمایند: جمال اقدس ابهی صریحاً می‌فرمایند که شرط لازم برای ازدواج بهائی تحصیل رضایت والدینی است که در قید حیات باشند. این شرط واجب الاجرا است، چه والدین بهائی باشند، چه نباشند؛ چه بین آنان سالهای متمادی طلاق واقع شده باشد چه نشده باشد. حضرت بهاءالله این حکم محکم را نازل فرمودند تا بنیان جامعه انسانی استحکام پذیرد و روابط خانوادگی پیوندی بیشتر یابد و سبب شود که در قلوب فرزندان حسّ احترام و حق‌شناسی نسبت به والدینشان که آنان را جان بخشیده و روانشان را در سیر جاودانی به سوی خالق متعال رهسپار ساخته‌اند، ایجاد گردد. (نقل ترجمه از صفحه ۱۶۹ منضمات کتاب اقدس / یادداشت شماره ۹۲)

اعتبار ازدواج بهائی منوط به رضایت کامل و با اختیار تامّ والدین طرفین است. اختیار والدین برای اعمال این حقّ نامحدود و بدون قید و شرط است. آنها ممکن است بر هر مبنایی از دادن رضایت خودداری کنند، و برای تصمیمی که اتخاذ می‌کنند فقط در مقابل خداوند مسؤل هستند. (ترجمه - مکتوب ۱۹ مارس ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۴۴۴)

اما تزوج به موجب شریعت الله اول باید که شما یکی را بپسندید بعد به رضایت پدر و مادر مرهون. قبل از انتخاب شما، آنان حق مداخله ندارند. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۵؛ شماره ۹۵ / انوار هدایت، شماره ۱۲۵۵ / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۴۴۲)

ازدواج مشروط به رضایت طرفین و ابویان ایشان است خواه زوجه باکره باشد یا نباشد. (منضمات کتاب اقدس، ص ۸۴)

در امر بهائی حق هر فردی است که بدون ادنی فشار و اجباری شریک زندگی آینده خود را انتخاب کند و آزادی والدین نیز در استفاده از حق خود برای دادن رضایت یا خودداری از آن، بدون قید و شرط است. اگرچه رضایت کتبی و دارای امضاء هر یک از والدین مطلوب است، اما در شریعت بهائی از جمله شرایط محسوب نمی‌شود. محفل روحانی مسئول باید قانع شود که رضایت به اختیار داده شود اما نباید برای سند امضاء شده اصرار نماید. شواهد معتبر دال بر رضایت شفاهی کاملاً کافی است؛ بعضی از والدین به راحتی رضایت خود را شفاهاً اعلام می‌کنند اما از نوشتن رضایت‌نامه ابا دارند. (ترجمه - مکتوب مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۷۸ از طرف بیت‌العدل اعظم به محفل روحانی ملی گویان / انوار هدایت، شماره ۱۲۵۳)

اساساً حکم شریعت بهائی در خصوص ازدواج، طرفین ازدواج را به کسب رضایت والدین حقیقی که در قید حیات هستند، ملزم می‌نماید. بعلاوه، مسئولیت والدین در اعطاء اجازه، نامحدود و بدون قید و شرط است، اما در ایفای این وظیفه آنها برای تصمیم خود در مقابل خداوند مسئول هستند. در صورتی که والدین در رضایت‌نامه کتبی خود، همانطور که اشاره کرده‌اید، نام مشخصی را به عنوان همسر آینده فرزند خود تعیین نکنند، بیت‌العدل اعظم می‌فرماید که این نامه را می‌توان پذیرفت و اجرای مراسم ازدواج بهائی بر مبنای چنین نامه‌ای مجاز است. (ترجمه - مکتوب ۹ اکتبر ۱۹۷۵ از طرف معهد اعلی به یکی از اجباء / انوار هدایت، شماره ۱۲۵۴)

و اما در خصوص اقترانت با امة الله ... عجله نکن. صبر و تأمل لازم است تا مادرش رضایت دهد و پدر و مادر تو هم رضایت خود را اعلام کنند. این امر الهی است. در کمال استقامت حقیقی به آن متمسک باش. فی الحقیقه در هر وضعیت و شرایطی این احسن و اولی است. فی الواقع، پروردگارت نسبت به عباد خود کریم و رحیم است و عنقریب هر امری را تسهیل می‌بخشد. اما باید در جمیع شرایط به حبل توکل و تفویض متشبث شوی و هر آنچه که سبب سعادت تو باشد خداوند عنایت خواهد فرمود. او رحیم و رحمن است. چه که امور بسیاری با مشاغل مواجه شده و سپس حل شده است و مسائل بسیاری به اذن الهی حل و فصل شده است. محزون مباش، مغموم مگرد. تحصیل علوم را تمام کن و توجه به حق نما و در جمیع شرایط از او طلب اعانت و صیانت کن. (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۴۵۵ جلد ثانی *Tablets of Abdu'l-Baha*)

۵- مشورت

مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظنّ و گمان را به یقین تبدیل نماید. اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی. راه نماید و هدایت کند. از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود و بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر و هویدا. (مائده آسمانی، ج ۸، ص ۶۰ / گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۷۳)

شور سبب تبصّر در امور است و تعمّق در مسائل مجهول. (امر و خلق، ج ۳، ص ۴۱۲ / گلزار تعالیم، ص ۲۷۴)

در جمیع امور به مشورت متمسک شوید. باید بر این امر قویاً تأکید نمایی تا جمیع به حبل مشورت متشبّث شوند. مقصد از ما نزل من قلم الاعلی آن که مشورت باید در میان احبّاء کاملاً مجری گردد چه که سبب آگاهی و بیداری و منشأ خیر و سعادت بوده و هست. (ترجمه - بیان حضرت بهاءالله مندرج در صفحه ۹۳ جلد اول *Compilation of Compilations*)

اصل ثانی عبارت از بی طرفی و عدم تعصّب در مشورت است. اعضاء محفل باید بیاموزند که آراء و نظرات خود را با صراحت، متانت، بدون حدّت و خصومت ابراز دارند. همچنین آنها باید بیاموزند که به عقاید سایر اعضاء، بدون آزردهگی خاطر یا تزییف آراء، گوش دهند. مشورت بهائی امر سهل و آسانی نیست؛ مستلزم محبّت، مهربانی، شهامت اخلاقی و تواضع است. به این ترتیب، هیچ عضوی هرگز نباید اجازه دهد که از بیان آزاد و صریح دیدگاهش به این علت که عضو دیگر ممکن است آزرده خاطر شود، ممنوع گردد؛ و با پی بردن به این نکته، هیچ عضوی از اظهارات عضو دیگر نباید آزرده خاطر شود. (ترجمه - مکتوب ۲۶ اوت ۱۹۶۵ بیت العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی ایتالیا / انوار هدایت، شماره ۵۹۰)

تجلی کامل صفاتی که به وسیله آن فرد می تواند به انضباط شخصی که لازمه مشورت موفقیت آمیز است دست یابد، در آنچه که حضرت ولی امرالله "روحیه یک فرد بهائی" عنوان فرموده اند، نمایان است. مثلاً به نکته ای که آن حضرت در یکی از توقیعات در آغاز ولایت امر به جامعه خودتان خطاب فرموده اند توجه کنید، "هیچ چیز جز روحیه یک بهائی واقعی نمی تواند میان اصول عدالت و شفقت، آزادی و اطاعت، تقدّس حق فردی و از خودگذشتگی را آشتی دهد؛ و هوشیاری، حُسن تدبیر و احتیاط را از یک سو با رفاقت، صفا و شجاعت از سوی دیگر تلفیق کند. (ترجمه) حضرت ولی امرالله بسیار شائق و طالب آن بودند که افکار آن جامعه به این میزان از بلوغ و امتیاز فائز و واصل گردد. (نقل ترجمه از بیانیه معهد اعلی مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۸ به احبّای آمریکا با عنوان آزادی ها و حقوق فردی در نظم جهانی حضرت بهاءالله - ترجمه دفتر امور احبّای ایرانی - آمریکایی، ویلمت، ایلینوی، ص ۱۹)

این عصری است که نوع انسان باید به بلوغ برسد، و یکی از وجوه آن عبارت از قبول مسؤلیت تصمیم گیری توسط فرد، به کمک مشورت، در مورد اقدامات خود در زمینه هایی است که احکام

الهی آنها را مفتوح گذاشته است. (ترجمه - پیام مورخ ۵ ژوئن ۱۹۸۸ بیت‌العدل اعظم در خصوص وضع احکام تفصیلی در مواضع اخلاقی)

روابط میان زن و شوهر باید بر اساس آرمان بهائی در مورد حیات عائله ملاحظه گردد. حضرت بهاءالله جهت تحقق وحدت در عالم ظهور فرمودند و وحدت بنیادی عبارت از وحدت عائله است. لهذا، هر فردی باید ایمان داشته باشد که مقصود از امر مبارک تقویت خانواده است نه تضعیف آن؛ و یکی از عوامل کلیدی برای تقویت وحدت عبارت از مشورت محبت‌آمیز است. جو حاکم بر عائله بهائی، مانند جو حاکم بر کل جامعه، باید مبتنی "محور امرالله" باشد که به بیان حضرت ولی محبوب امرالله "استبدادی نیست بلکه روح متواضع رفاقت و برادری است؛ جبر و عنف نیست بلکه شوری است از روی محبت و توأم با صراحت."^۱ (ترجمه - مکتوب مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۰ معهد اعلی با عنوان "ارتباط بین زن و شوهر" / انوار هدایت شماره‌های ۷۳۴ و ۷۴۸)

بیت‌العدل اعظم با ملاحظه مسائلی که شما و همسران تجربه می‌کنید، خاطرنشان می‌سازند که وحدت عائله شما باید بر کلیه ملاحظات دیگر اولویت داشته باشد. حضرت بهاءالله جهت تحقق وحدت در عالم ظهور فرمودند و وحدت بنیادی عبارت از وحدت عائله است. لهذا، هر فردی باید ایمان داشته باشد که مقصود از امر مبارک تقویت خانواده است نه تضعیف آن. فی‌المثل، خدمت امر مبارک نباید سبب غفلت از خانواده شود. آنچه که حائز اهمیت می‌باشد این است که اوقات خود را به نحوی تنظیم نمایید که حیات خانواده شما در کمال وفاق و اتفاق باشد و اهل بیت شما از توجهی که نیاز دارد برخوردار گردد.

حضرت بهاءالله بر اهمیت مشورت نیز تأکید فرمودند. ما نباید تصور کنیم که این روش ارزشمند تلاش برای یافتن راه حل منحصراً به تشکیلات اداری امر مبارک است. مشورت خانوادگی که با بحث و مذاکره کامل و صریح صورت می‌گیرد و با روح آگاهی لازم برای اعتدال و میانه‌روی جان تازه‌ای می‌یابد، می‌تواند نوشدارویی برای اختلافات خانگی باشد. خانم‌ها نباید سعی کنند بر همسرانشان سلطه یابند، و شوهران نباید طالب تفوق بر همسرانشان شوند... (ترجمه - مکتوب اول اوت ۱۹۷۸ از طرف بیت‌العدل اعظم / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۳۸۳ و ۴۵۳)

۶- برابری و عدالت

مقصود حضرت ولی امرالله در بیان نظرات خود در خصوص روابط والدین و فرزندان، زنان و شوهران در آمریکا این است که در کشور مزبور فرزندان تمایل دارند بیش از حد از آمال و امیال والدین خود مستقل باشند و برای آنها احترام لازم را مرعی نمی‌دارند. همچنین زنان، در بعضی از موارد، تمایل دارند به میزان ناعادلانه‌ای بر شوهرانشان سلطه داشته باشند، که، البته، به همان اندازه صحیح نیست که شوهران بخواهند بر همسرانشان تسلط داشته باشند. (مکتوب ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۴۰۵ و ۴۱۵؛ ج ۲، ص ۳۸۲)

^۱ توضیح مترجم: ترجمه بیان حضرت ولی امرالله از صفحه ۲۹۷ بهاءالله و عصر جدید نقل شد.

فرو دستی و انقیاد سیستماتیک زنان در هر یک از زمینه‌های زیر به طرز ناخوشایندی مشهود است: (۱) تحصیل؛ (۲) خشونت و سوء رفتار در منزل و در اجتماع؛ (۳) تبعیض در فرصت‌های تولید درآمد؛ (۴) تصمیم‌گیری در خانواده؛ (۵) نابرابری در ساختاری قدرت اقتصادی و سیاسی، یا حتی حذف شدن از آن؛ تسلط و اداره درآمد خانواده (و استفاده‌های بی‌شمار از آن) توسط مردان خانواده؛ و (۷) مسئولیت تربیت فرزندان که به تنهایی بر عهده زنان است بدون آن که از لحاظ اجتماعی از آن حمایت شود. مهوریت زنان در هر یک از این زمینه‌ها نتیجه ترکیب تقریباً غامض و تفکیک‌ناپذیر قوانین، نگرش‌ها، تربیات و روش‌های نهادی، ساختارهای اقتصادی و سکوت‌های حقوقی است. در هر یک از این زمینه‌ها، احکام صریح و اصول اجتماعی بهائی که نابرابری متداولی را که سرسختانه حتی بعد از اصلاحات چشمگیر و باصلاحت حقوقی باقی مانده‌اند، مد نظر قرار داده به آن می‌پردازد، نظام و ساختارهای ظالمانه را تضعیف کرده به تحلیل می‌برد. احکام و اصول بهائی از دیدگاه فرصت برابر برای ایجاد جوامعی که به نحوی سیستماتیک و نهادین برای مقام مادری و نیز مشارکت زنان در امور عمومی ارزش قائلند، به مراتب فراتر است. این جوامع مظهر اصل زنانه "اخلاقیات توجه و مراقبت" و اصل مردانه "اخلاقیات حقوق" است که هم در جهت حفظ روابط و هم برای ترویج عدالت تلاش می‌کند. (ترجمه - بیانیه ۲۶ اوت ۱۹۹۵ جامعه بین‌المللی بهائی در خصوص "ایجاد ساختارهای نهادین حقوقی برای برابری جنسی")

هر ناظر بی‌طرفی، تساوی زن و مرد را از لوازم اساسی برای تفکر واقع‌بینانه نسبت به آسایش کره زمین و مردم آن می‌داند. این نکته حاکی از حقیقتی درباره طبیعت انسان است که در طی قرون و اعصار، در دوران کودکی و نوجوانی بشر ناشناخته مانده است. حضرت بهاءالله فرموده‌اند، "اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست." از نظر عقلی فرقی میان زن و مرد نیست. اگر در گذشته نابرابری میان زن و مرد اجتناب‌ناپذیر بود، امروز که بشر در آستانه بلوغ قرار گرفته، دیگر چنین نابرابری‌هایی را نمی‌توان موجه دانست. برای موفقیت در کوشش‌هایی که به منظور طرح‌ریزی و اجرای توسعه و عمران جهانی معمول شده، برقرار کردن تساوی کامل میان زن و مرد در همه شؤون زندگی و در جمیع سطوح جامعه حائز اهمیت اساسی است. (بیانیه ۳ مارس ۱۹۹۵ جامعه بین‌المللی بهائی تحت عنوان رفاه عالم انسانی)

بیت العدل اعظم این نکته را مطرح می‌فرمایند که کلیه بیانات مندرج در آثار مبارکه در خصوص زمینه‌های مشخص رابطه بین زنان و مردان باید با توجه به اصل کلی برابری بین زن و مرد که به نحوی مؤکد و واضح مکرراً در آثار مبارکه توضیح و تشریح شده، ملاحظه گردد. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارک تصریح می‌فرمایند، "در این عصر ربّانی فیوضات الهی عالم نساء را احاطه نموده است. تساوی رجال و نساء، جز در موارد جزئی، کاملاً و قطعاً اعلام شده است. تمایز فیما بین بالمره مرتفع گشته و زائل شده است." (ترجمه) تفاوت زنان و مردان در بعضی از ویژگی‌ها و وظائف، حقیقت اجتناب‌ناپذیر طبیعت است. نکته مهم آن است که حضرت عبدالبهاء چنین نابرابری‌هایی را جزئی محسوب می‌دارند. (ترجمه - مکتوب ۲۸ دسامبر ۱۹۸۰ معهد اعلی در مورد روابط بین زن و شوهر)

عقد بهائی ارتباط بین طرفین است و تعلق خاطر بین جهتین. ولی باید نهایت دقت بنمایند و بر اخلاق همدیگر واقف شوند و عهد وثیق ارتباط ابدی حاصل شود و مقصد الفت و رفاقت و وحدت و حیات سرمدی باشد ... عقد حقیقی بهائیان این است که باید بین طرفین روحاً جسماً التیام تام حاصل گردد تا در جمیع عوالم الهی اتحاد ابدی داشته باشند و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند. این است عقد بهائی. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۵؛ شماره ۸۶)

در این عصر رحمانی تعصبات جاهلیه بکلی زائل گشته است. لهذا اقتران خانم ... با جناب مجاز است؛ اما خانم ... باید شب و روز تلاش کند تا مانند کنیز عزیز الهی، خانم بتواند همسرش را هدایت کند. او نباید آرام گیرد تا آن که او را علاوه بر حیات جسمانی شریک روحانی خود سازد. ازدواج بهائی اتحاد حقیقی و مبنی بر رضایت کامل طرفین است. در هر حال بایستی نهایت دقت مبذول دارند و به اخلاق یکدیگر آگاهی حاصل کنند، به طوری که عهد و پیمان آنان ارتباط ابدی گردد و مقصدشان اتحاد و محبت و دوستی و حیات دائمی باشد. عروس بایستی در مقابل داماد و چند نفس دیگر بگوید، "أنا كلُّ لله راضیات" و داماد بگوید، "أنا كلُّ لله راضون". این است ازدواج بهائی. (نقل ترجمه از فصل هفتم کتاب درگه دوست، ترجمه ابوالقاسم فیضی)

موازین امریه، علی الخصوص در مقایسه با اخلاقیات کاملاً فاسد جهان امروز، بسیار متعالی اند. بلکه، این موازین موجد نفوسی سالم تر، مسرورتر و شریف تر، و ازدواج‌هایی پایدارتر و برخوردار از ثبات بیشتر خواهند بود. (ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۱۲۱۰ / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۴۹)

این تقدیس و تنزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است؛ همچنین توجه و مراقبت تام در احتراز از مشتهیات نفسانیه و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تقریحات رذیله مفرطه‌ای است که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزت به حضيض ذلت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مسکرات و افیون و سایر آرایش‌های مضره و اعتیادات دنییه نالایقه است. این تقدیس و تنزیه هر امری را که منافی عفت و عصمت شمرده شود، خواه از آثار و مظاهر هنر و ادب و یا پیروی از طرفداران خلع حجاب و حرکت بلااستتار در مرآی ناس و یا آمیزش بر طریق مصاحبت و یا بی‌وفائی در روابط زناشویی و به طور کلی هر نوع ارتباط غیرمشروع و هر گونه معاشرت و مجالست منافی با احکام و سنن الهیه را محکوم و ممنوع می‌نماید و به هیچ وجه با اصول و موازین سینه و شئون و آداب غیرمرضیه عصر منحط و رو به زوال کنونی موافقت نداشته بلکه با ارائه طریق و اقامه برهان و دلیل، بطلان این افکار و سخافت این اذکار و مضار و مفسدت اینگونه آلودگی‌ها را عملاً مکشوف و هتک احترام از نوامیس و مقدسات معنویه منبعث از تجاوزات و انحرافات مضله را ثابت و مدلل می‌سازد. (ظهور عدل الهی، ص ۶۳)

امانت عندالحقّ اساس دین الهی است و بنیاد جمیع فضائل و مناقب است. اگر نفسی از آن محروم ماند از جمیع شئون محروم. با وجود قصور در امانت از ایمان و دیانت چه ثمری و چه اثری و چه نتیجه و چه فائده‌ای. (گلزار تعلیم بهائی، ص ۵۶ به نقل از اخلاق بهائی، ص ۴۸)

از فضائل بسیاری که در آثار مقدّسه بهائی ذکر شده که فرد به پرورش و ترویج آن تشویق می‌گردد، امانت در رتبه اولی واقع شده است. حضرت بهاءالله می‌فرمایند که راحت و اطمینان خلق عالم، ثبات در هر امری از معاملات بشری و هر قراردادی که مورد مذاکره واقع شود، و هر سعی و تلاشی که مبذول گردد - به امانت منوط بوده و هست. امانت، چه در منزل، چه محلّ کار، در جامعه یا در امور تجاری و سیاسی، در قلب جمیع معاملات و قراردادهای سازنده است. در حفظ وحدت بین ملل و امم گوناگون نقشی کلیدی دارد. لهذا، هر سعی و کوششی برای توسعه باید در وهله اولی هدفش القاء امانت در افراد، جوامع و نهادهای ذی‌ربط باشد. (ترجمه - بیانیه ۱۸ فوریه ۱۹۹۸ جامعه بین‌المللی بهائی با عنوان "ارزش قائل شدن برای روحانیت در امر توسعه")

ب - صبر و بردباری

مایلم شما را، بالاخص نسبت به ادعیه ایشان جهت هدایت شما در رابطه با برنامه پیشنهادی برای حصول وحدت در ازدواج دکتر ... اطمینان دهم. محبوب عالم در اتخاذ تصمیم صحیح، شما را تأیید فرماید و شما را از اضطراب و المی که اقدامی بیش از حدّ عجولانه در مواردی از این قبیل مسلماً موجب آن خواهد شد، مصون و محفوظ نگاه دارد. شما باید به این مسأله، که با آینده شما ارتباطی حیاتی دارد، توجه کاملی که شایسته آن است مبذول دارید، و جمیع جوانب امر را با دقت و بی‌طرفانه بررسی نمایید. اتخاذ تصمیم نهایی به عهده شما و دکتر ... است. (ترجمه - از طرف حضرت ولی امرالله به تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۳۹ / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۴۴۶)

خدمت

اما عبارتی که به تو مرقوم نموده‌ام که خود را وقف در خدمت امرالله نما؛ مقصود این است که فکرت را حصر در تبلیغ امر کن و شب و روز به تعلیم و وصایا و نصایح حضرت بهاءالله پرداز و این منفی ازدواج نه. می‌شود قرینی قبول نمائی و به خدمت امرالله نیز پرداز. هیچ یک مانع دیگری نیست. باری، وقت را غنیمت دان؛ فرصت از دست مده؛ از خدا بخواه که در این جهان ظلمانی شمعی روشن شوی و سبب هدایت جمعی غفیر گردی. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۹۸)

حضرت ولی امرالله برای حلّ مسائل شما دعا خواهند فرمود. ایشان برای شفای پسر شما، و برای سعادت و وحدت خانواده شما دست به دعا بر خواهند داشت. اساس واقعی وحدت عبارت از

خدمت است، و ایشان امیدوارند که کلیه اعضا با بذل مساعی تازه به تبلیغ امر مبارک قیام کنند.
(ترجمه - مکتوب ۶ سپتامبر ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۴۵۲)

پیوند روحانی و جسمانی

عفت و عصمت، قبل و بعد از ازدواج، به روابط جنسی مشروع و پرهیزگارانه اشاره دارد؛ قبل از ازدواج پاکدامنی و عفت مطلق، و بعد از ازدواج وفاداری به همسری که شخص انتخاب کرده است. وفاداری در کلیه روابط جنسی، وفاداری در قول و عمل. از جمله اموری که دنیای امروز در آن مستغرق است، افراط در اهمیت دادن به عشق جسمانی و فقدان ارزش‌های روحانی است. احباء باید، حتی المقدور، سعی کنند این وضعیت را درک کنند و به معیارهایی به مراتب بالاتر از موارد مورد توجه هم‌نوعان خود که، نمونه بارز کلیه ادوار منحنی تاریخ هستند و برای جنبه کاملاً جسمانی انتخاب جفت و همسر تأکید فوق‌العاده قائلند، متمسک شوند. آنها، خارج از حیطه زندگی عادی و مشروع زناشویی، باید طالب برقراری پیوندهای محبت و دوستی باشند که ابدی و مبتنی بر حیات روحانی انسان است نه زندگی جسمانی او. این یکی از زمینه‌های بسیاری است که لازم است بهائیان سرمشق و نمونه باشند و طریقی را به سوی معیار حقیقی انسانی زندگی رهنمون گردند، که روح انسان تعالی یابد و جسم او ابزاری برای روح تعالی یافته‌اش باشد. بدیهی است که این مانع از برخورداری از ارتباط جنسی کاملاً عادی از طریق کاملاً مشروع ازدواج نخواهد بود. (ترجمه - مکتوب ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۱۲۱۱ / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۵۷)

و علی‌الخصوص اقتران انسان به انسان، بالخصوص اگر به محبت حضرت یزدان شود وحدت اصلیه جلوه نماید و محبت رحمانیه تأسس جوید. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۶)

زیرا تعالیم امر بهائی نه فقط امکان داشتن دو همسر در آن واحد را منتفی می‌داند، بلکه، در عین مجاز دانستن طلاق، آن را عملی قبیح تلقی می‌کند که صرفاً در شرایطی استثنایی و هنگامی که موارد بسیار حادثی، به مراتب مهم‌تر و حادث‌تر از مسائلی مانند عدم جذابیت ظاهری یا ناسازگاری و ناهماهنگی در روابط جنسی، مطرح باشد، باید به آن متوسل شد. نهاد ازدواج، که توسط حضرت بهاءالله تأسیس شده، در حالی که برای جنبه جسمانی عقد اتحاد زناشویی اهمیت قائل است، آن را در رتبه ثانی اهمیت نسبت به اهداف و وظائف اخلاقی و روحانی می‌داند که به عنایت حکیمانه و محبت آمیز الهی در آن به ودیعه گذاشته شده است. تنها زمانی که به هر یک از این ارزشها اهمیتی را که در خور آنها است داده شود، و فقط بر مبنای تحت‌الشعاع قرار گرفتن وجه جسمانی نسبت به جنبه اخلاقی، و وجه جنسی نسبت به جنبه روحانی، می‌توان از زیاده‌روی‌ها و بی‌بندوباری‌هایی که در کمال تأسف در عصر منحنی ما در روابط زناشویی مشاهده می‌شود، اجتناب نمود، و حیات خانوادگی را به طهارت و تقدس اصلی خود باز گرداند، و وظیفه حقیقی را که این نهاد برای آن توسط ذات الوهیت تأسیس شده، ایفا نمود.

حضرت ولی امرالله مشتاقانه دعا خواهند فرمود که، با کسب الهام و هدایت از چنین معیاری الهی و با کسب نیرو از تأییدات و امدادات لاریبیه حضرت بهاءالله، بتوانید به نحوی رضایت‌بخش روابط

خود با اشخاص مورد نظر را اصلاح نمایید، و به این ترتیب به راه حلّ صحیحی برای این مسأله زندگی خود که فی الحقیقه معضلی محسوب، دست یابید. (ترجمه - مکتوب ۸ مه ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله مندرج در جلد دوم *Compilation of Compilations*، ص ۴۴۶؛ ج ۱، ص ۲۴۰ / انوار هدایت، شماره ۱۲۸۰)

حضرت بهاءالله امر ازدواج را به عنوان طریق صحیح و طبیعی زندگی به جمیع نفوس توصیه فرموده‌اند. اما، هیکل مبارک بر ماهیت روحانی آن نیز تأکید و طید فرموده‌اند، که، اگرچه مانع از زندگی جسمانی عادی نیست، اساسی‌ترین وجه ازدواج محسوب می‌گردد. این امر که دو فرد باید در کمال محبت و اتفاق با یکدیگر زندگی کنند اهمیتی به مراتب بیشتر از آن دارد که در آتش شهوت و هوس نسبت به یکدیگر بسوزند. مورد اول صخره‌ای است قوی که می‌توان در زمان نیاز به آن تکیه کرد؛ دیگری امری کاملاً گذرا و موقت است که هر آن ممکن است زائل و فانی شود. (ترجمه - مکتوب ۲۰ ژانویه ۱۹۴۳ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۱۲۶۸ / *Compilation of Compilations*، ج ۱، ص ۴۰۴)

عقد بهائی ارتباط بین طرفین است و تعلق خاطر بین جهتین. ولی باید نهایت دقت بنمایند و بر اخلاق همدیگر واقف شوند و عهد وثیق ارتباط ابدی حاصل شود و مقصد الفت و رفاقت و وحدت و حیات سرمدی باشد ... عقد حقیقی بهائیان این است که باید بین طرفین روحاً جسماً التیام تام حاصل گردد تا در جمیع عوالم الهی اتحاد ابدی داشته باشند و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند. این است عقد بهائی. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۵؛ شماره ۸۶)

در میان خلق ازدواج عبارت از ارتباط جسمانی است و این اتحاد و اتفاق موقت است؛ زیرا فرقت جسمانی عاقبت مقرر و محتوم است. ولیکن ازدواج اهل بهاء باید ارتباط جسمانی و روحانی هر دو باشد. زیرا هر دو سرمست یک جامند و منجذب به یک طلعت بی‌مثال؛ زنده به یک روحند و روشن از یک انوار. این روابط روحانیه است و اتحاد ابدی است و همچنین در عالم جسمانی نیز ارتباط محکم متین دارند؛ ارتباط و اتحاد و اتفاق چون از حیثیت روح و جسم هر دو باشد، آن وحدت حقیقی است، لهذا ابدی است. اما اگر اتحاد مجرد از حیثیت جسم باشد، البته موقت است و عاقبت مفارقت محقق. پس باید اهل بهاء چون رابطه ازدواج در میان آید، اتحاد حقیقی و ارتباط معنوی و اجتماع روحانی و جسمانی باشد، تا در جمیع مراتب وجود و در جمیع عوالم الهی این وحدت ابدی گردد. زیرا این وحدت حقیقی جلوه‌ای از نور محبت‌الله است و همچنین اگر نفوسی مؤمن حقیقی شوند، ارتباط روحانی یابند و مظهر محبت رحمانی گردند؛ کلّ سرمست جام محبت‌الله شوند، البته آن اتحاد و ارتباط نیز ابدی است؛ یعنی نفوسی که از خود بگذرند و از نقایص عالم بشری تجرد یابند و از قیود ناسوتی منصرف گردند، البته پرتو انوار وحدت الهی بتابد و جمیع در عالم ابدی وحدت حقیقی یابند. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۴؛ شماره ۸۴)

اطفال: هدف مقدّس و اولیه از ازدواج

ای دو اولاد عزیز من اقتران شما چون به سمع من رسید بی‌نهایت ممنون و مسرور شدم که الحمدلله آن دو طیر باوفا در یک آشیانه لانه نمودند و از خدا خواهیم که یک عائله محترمه‌ای

تشکیل نمایند؛ زیرا اهمیت ازدواج به جهت تشکیل یک عائله پربرکت است تا در کمال مسرت مانند شمع‌ها عالم انسان را روشن نمایند. زیرا روشنائی این عالم به وجود انسان است. اگر در این جهان انسان نبود، مانند شجر بی‌ثمر بود. حال امیدوارم که آن دو نفس مانند یک شجر گردند و از رشحات ابر عنایت طراوت و لطافت حاصل نمایند و پرشکوفه و ثمر گردند تا الی الأبد این سلاله باقی و برقرار ماند. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۷ / شماره ۸۸)

تعالیم بهائی، با در نظر گرفتن زندگی زناشویی به عنوان طریق عادی و طبیعی موجودیت برای هر انسان برخوردار از سلامت عقل و جسم، و از لحاظ اجتماعی آگاه و مسئول، نه تنها آن را تشویق و تحریض می‌نماید، بلکه ازدواج را تا حد مؤسسه‌ای الهی ارتقاء می‌بخشد، چه که هدف اصلی و مقدس آن استمرار بخشیدن به نوع بشر - گل سرسبد کل آفرینش - و ارتقاء آن به مقام و موقف حقیقی‌اش است که خداوند برای آن مقدر فرموده است. (ترجمه - مکتوب ۱۵ آوریل ۱۹۳۹ از طرف حضرت ولی امرالله؛ انوار هدایت شماره ۹۵۰ و ۱۲۶۲ / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۴۴۶؛ ج ۱، ص ۴۷۹)

الفت، انس، رفاقت، غمخواری

ای دو مؤمن بالله خداوند بی‌مانند زن و مرد را آفریده که با یکدیگر در نهایت الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم یک جان داشته باشند؛ زن و مرد دو رفیق و انیس هستند که باید در غم یکدیگر شریک باشند. چون چنین باشند، در نهایت خوشی و شادمانی و آسایش دل و جان در این جهان زندگانی کنند و در ملکوت آسمانی مظهر الطاف الهی گردند و الا در غایت تلخی عمر به سر بگردند و هر دم آرزوی مردن نمایند و در جهان آسمانی نیز شرمسار باشند. پس بکوشید که با یکدیگر مانند دو کبوتر در آشیان، آمیزش دل و جان نمایید. این است خوشبختی دو جهان. (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۱۹)

عقد بهائی ارتباط بین طرفین است و تعلق خاطر بین جهتین. ولی باید نهایت دقت بنمایند و بر اخلاق همدیگر واقف شوند و عهد وثیق ارتباط ابدی حاصل شود و مقصد الفت و رفاقت و وحدت و حیات سرمدی باشد ... (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۱۱۵؛ شماره ۸۶)

این صرفاً اتفاقی نیست که روی می‌دهد. برای آن که ازدواج ملجأ و ملاذی برای حصول رضایت خاطر گردد، باید معاضدت و همکاری بین شرکای زندگی حاصل شود، و خانواده‌های آنها نیز مساعدت نمایند... (ترجمه - مکتوب ۲۴ ژوئن ۱۹۷۹؛ *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۳۸۳)

مهریه

لا یَحِقُّ الصَّهَّارُ إِلَّا بِالْمَهَّارِ قَدْ قَدَّرَ لِلْمَدَنِ تِسْعَةَ عَشَرَ مِثْقَالًا مِنَ الذَّهَبِ الْاَبْرِيزِ وَ لِلْقَرَى مِنَ الْفِضَّةِ وَ مَنْ ارَادَ الزَّيَادَةَ حَرَّمَ عَلَيْهِ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنْ خَمْسَةِ وَ تَسْعِينَ مِثْقَالًا كَذَلِكَ كَانَ الْأَمْرُ بِالْعَزْمِ مَسْطُورًا وَ الَّذِي اقْتَنَعَ بِالذَّرَجَةِ الْأُولَى خَيْرٌ لَهُ فِي الْكِتَابِ أَنَّهُ يُغْنِي مَنْ يَشَاءُ بِأَسْبَابِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا. (کتاب اقدس، بند ۶۶)

۹۳ - لا یحقیق الصّهار الاّ بالأمهّار (بند ۶۶) موارد عمدۀ مربوط به پرداخت مهریه در جزوۀ "تلخیص و تدوین حدود و احکام" قسمت د، ۱-۱۰-۱ تا ۳-۱۰-۵ خلاصه شده. حکم مهریه و جزئیات آن در کتاب مبارک بیان نازل شده است. مهریه باید از طرف داماد به عروس پرداخت گردد. میزان آن برای اهل مدّن نوزده منقال طلای خالص و برای اهل قری نوزده منقال نقره است (یادداشت شماره ۹۴). حضرت بهاءالله می فرماید که اگر در هنگام عقد داماد قادر نباشد که مهریه را تماماً به عروس ادا کند، مأذون است قبض مجلس رد نماید (سؤال و جواب، فقره ۳۹).

با ظهور جمال مبارک بسیاری از عقاید و آداب و رسوم متداوله من جمله مسئلۀ مهریه تغییر یافته و معانی جدیدی به خود گرفته است. پرداخت مهریه از عادات کهنه در بین بسیاری از جوامع و فرهنگها است که به اطوار مختلفه اجرا می شود. در بعضی از ممالک مهریه از طرف پدر و مادر عروس به داماد پرداخت می گردد، در بعضی از ممالک دیگر مهریه را داماد به پدر و مادر عروس می پردازد، که آن را "شیربها" می گویند. در هر دو حال مبلغ پرداختی معمولاً معتنا به است. حکم جمال قدم این رسوم متنوعه را از میان برداشته و مهریه را به عنوان رمزی یعنی هدیه ای با ارزش محدود و معین مقرر فرموده که از طرف داماد به عروس تسلیم می گردد. (کتاب اقدس، ص ۱۷۰)

تسلیم شدن به اراده الهی

هر یک از طرفین از صمیم دل و از بن جان تسلیم اراده الهی می گردد و این نشانه ای مطلوب دالّ بر موفقیت ازدواج است. حضرت بهاءالله می فرماید هر یک از طرفین باید با گفتن عبارتی این تسلیم و رضا را اعلام نماید. داماد می گوید، "أنا کلّ لله راضون" و عروس می گوید، "أنا کلّ لله راضیات." (رساله سؤال و جواب، شماره ۳ / کتاب اقدس، صفحه ۴۲)

تنوع و گوناگونی

حضرت عبدالبهاء می فرماید: "در اقتران هر چه دورتر موافق تر؛ زیرا بعد نسبت و خویشی بین زوج و زوجه مدار صحت بنیه بشر و اسباب الفت بین نوع انسانی است." (کتاب اقدس، ص ۱۹۴)

ازدواج رابطه ای مقدس است

نگرش بهائی این است ازدواج رابطه ای بسیار جدی و مقدس و طلاق آخرین راه حل است که اگر از لحاظ انسانی میسر باشد باید از آن اجتناب نمود. (ترجمه - مکتوب ۱۰ اوت ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۴۴۹)

از آنجا که حضرت بهاءالله (با آن که طلاق را مجاز می دانند، اما) با طلاق بسیار مخالف بودند، و ازدواج را مسئولیتی بسیار مقدس می دانستند، احباء باید آنچه در قوه دارند به کار ببرند تا عقد ازدواجی را که بسته اند محفوظ و مصون دارند و آن را به اتحادی نمونه که شریف ترین انگیزه ها بر آن حاکم است، تبدیل کنند. (ترجمه - مکتوب ۱۹ اکتبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله / همان مأخذ)

حضرت ولی امرالله مدتی مدید است بر این عقیده‌اند که احبای آمریکایی، در بعضی موارد، منطبق با آرمان ازدواج که حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند، زندگی نمی‌کنند. آنها مستعد آنند که نگرش خودخواهانه و سهل‌انگارانه فعلی مردم نسبت به پیوند ازدواج در آنها تأثیر گذارد. در نتیجه وقتی هیکل مبارک مشاهده می‌کنند شما در کمال موفقیت منطبق با موازین امری زندگی می‌کنید، نهایت سعی خود را در این راه به کار می‌برید و این پیوند مقدسی را که با همسران دارید حفظ می‌کند، فی‌الحقیقه بسیار مسرور می‌شوند. هیکل مبارک امیدوارند شما در موقفی باشید که برای دیگران الگو و سرمشق شوید. زیرا طریقی که بعضی از احبای، به نام خدمت به امر مبارک، خود را از قید شوهرانشان رها می‌کنند، یا به همسر جدیدی روی می‌آورند، ابداً مورد تأیید هیکل اطهر نیست. (ترجمه - مکتوب ۲ آوریل ۱۹۵۰ از طرف حضرت ولی امرالله / همان مأخذ، ج ۱، ص ۴۰۷)

با توجه به این واقعیت که شوهر شما واقعاً مایل نیست از شما جدا شود، بلکه بالعکس مشتاق است که زندگی مشترک با شما را حفظ نماید، حضرت ولی امرالله معتقدند که شما، به عنوان فردی بهائی، حق ندارید به علت میل به خدمت به امر مبارک این زندگی را نابود کنید. ازدواج مؤسسه‌ای بسیار مقدس است. حضرت بهاءالله فرموده‌اند که هدف از آن ترویج وحدت است. اگر یاران به خاطر امر الهی از این مؤسسه غفلت کنند، امر مبارک را در انظار عموم خفیف می‌سازند. در این ایام اهل عالم در ورطه سوء اخلاق بسیار منهمک هستند، و با تساهل و تسامح با مؤسسه ازدواج برخورد می‌نمایند؛ و ما بهائیان برعکس اهل عالم سعی داریم موازین عالی اخلاقی ایجاد کنیم و تقدس ازدواج را به موقف اصلی خود برگردانیم. اگر همسر شما به شما اجازه می‌دهد تا حدّ معینی به امر تبلیغ بپردازید، و گاهی در جهت مصالح امریه به مسافرت بروید، احسن و اولی است؛ اما او معتقد نیست که امر مبارک به چیزی تبدیل شود که زندگی خانوادگی شما را نابود نماید. (ترجمه - مکتوب ۶ ژوئن ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۴۰۹)

یاران باید اکیداً از طلاق اجتناب نمایند، و تنها در موارد بسیار نادر و مبرم به آن متوسل شوند. اجتماع امروز نسبت به ماهیت مقدس ازدواج اهمال کار و بی‌توجه است، و احبای باید با این روند با جدیت مبارزه کنند. (ترجمه - مکتوب ۵ ژانویه ۱۹۴۸ از طرف حضرت ولی امرالله / همان مأخذ، ص ۴۵۰)

بهائیان باید از تقدس ازدواج آگاهی عمیق داشته باشند و باید سعی کنند ازدواج‌های خود را به پیوند ابدی اتحاد و اتفاق تبدیل نمایند. این امر مستلزم تلاش و فداکاری و حکمت و کفّ نفس است. فرد باید باید امکان توسل به طلاق را تنها در صورتی مطمح نظر قرار دهد که وضعیت غیر قابل تحمل باشد و او نسبت به شریک زندگی خود به شدت احساس یزاری نماید. این معیاری است که فرد باید مدّ نظر داشته باشد. این حکم نیست، بلکه توصیه است. هدفی است که ما باید به طرف آن حرکت کنیم. (ترجمه - مکتوب ۳ نوامبر ۱۹۸۲ معهد اعلی / همان مأخذ، ص ۴۵۶)

حضرت عبداله‌بهاء در پاسخ به سؤالی فرمودند، "نباید اینطور باشد که طلاق بسیار آسان باشد، بلکه ازدواج باید بسیار مشکل باشد. (ترجمه - شاهراه منتخب، ص ۲۱۳)

نشأت گرفته از خانه طلاق

طلاق در چنین شرایطی دیگر فقط آنها را نگران نمی‌کند و بر امیال و احساسات آنها تأثیر نمی‌گذارد بلکه بر کل آینده فرزندان و نگرش آنها نسبت به ازدواج تأثیر می‌گذارد. (ترجمه - مکتوب ۱۹ دسامبر ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۴۵۰)

منابع و مراجع

متن ویرایش و تلخیص شده سخنرانی فوق‌العاده عالی دکتر دانش در مورد "ازدواج و روابط جنسی" که در تاریخ ۱۳ آوریل در سپرینگ‌فیلد، ویرجینیا، ایالات متحده، در منزل آقا و خانم آگوستو لوپز کلاروس ایراد شده در <http://bahai-library.org/talks/marriage.sexuality.html> موجود است. مراجعه شود.

ضمیمه

یک ازدواج بهائی

نوشته‌ای کاملاً شرقی مربوط به اواخر ایام اقامت حضرت عبدالبهاء در لندن، مربوط به ازدواج زوج جوان ایرانی یافت شد. زوج مزبور از هیکل مبارک خواسته بودند که در مراسم آنها شرکت کنند. عروس خانم از بغداد همراه عموی خود سفر کرده بود تا نامزدش را در اینجا بیابد و قبل از عزیمت حضرت عبدالبهاء با او ازدواج کند. پدر و پدربزرگ عروس خانم از جمله پیروان حضرت بهاء‌الله در زمان تبعید هیکل مبارک بودند.

ما قصد نداریم در توصیف مراسم مزبور به قلم داماد تغییری بدهیم و بنابراین آن را به همان زبان ساده و زیبای اصلی نقل می‌کنیم. این توصیف نشان‌دهنده جنبه‌ای از ازدواج است که در جای دیگر دیده نشده، و بدون آن ایده دیدار هیکل مبارک از این شهر کامل نمی‌شود. ما به آن حالت احترامی که اهل مشرق‌زمین در حین ملاقات با حضرت عبدالبهاء برای آن مربی بزرگ خود قائل هستند، اشاره می‌کنیم. آنها هنگام ورود حضرت عبدالبهاء به داخل اطاق، بدون استثناء قیام می‌کنند و در حالی که سرهای خود را به نشانه تعظیم خم کرده‌اند می‌ایستند.

میرزا داوود می‌نویسد:

صبح یکشنبه، اول اکتبر ۱۹۱۱ میلادی مطابق با نهم تیشی ۵۹۷۲ (سال عبری)، والاحضرت نور محلّ خانم، و میرزا یوحنا داوود به حضور مبارک حضرت عبدالبهاء، روحی له الفدا، مشرف شدند. حضرت عبدالبهاء بعد از پذیرفتن ما فرمودند، "خیلی خوش آمدید.

ملاقات شما در لندن مرا مسرور می‌سازد. بعد نگاهی به من انداختند و فرمودند، "جز برای دختران خودم، هرگز قبلاً عقد اقتران را برای احدی نبسته‌ام؛ اما چون به شما خیلی محبت دارم، و خدمات عظیمه، در این مملکت و سایر نقاط، به ملکوت ابهی کرده‌اید، امروز مراسم ازدواج را اجرا می‌کنم. امیدوارم هر دو در سبیل مقدّس خدمت به حرکت ادامه دهید."

بعد، حضرت عبدالبهاء ابتدا نورمحل خانم را به اطاق کناری بردند و از او پرسیدند، "آیا میرزا یوحنا داوود را با تمام دل و جان دوست داری؟" او جواب داد، "بله، دوست دارم." بعد، حضرت عبدالبهاء مرا احضار فرمودند و همان سؤال را تکرار کردند، یعنی فرمودند، "نور محل خانم را از صمیم قلب دوست داری؟" جواب دادم، "بله، دوست دارم." ما با هم به اطاق اول برگشتیم و هیکل مبارک دست راست عروس را گرفتند و آن را در دست داماد گذاشتند و از ما خواستند که بعد از ایشان تکرار کنیم، "أَنَا كُلُّ لَه رَاضُونَ" و "أَنَا كُلُّ لَه رَاضِيَاتُ".

همه نشستیم و حضرت عبدالبهاء ادامه دادند، "ازدواج مؤسسه مقدّسی است و در این امر مبارک بسیار مورد تشویق است. حال شما دیگر دو نفس نیستید، بلکه نفس واحده هستید. حضرت بهاءالله مایلند که کلیه نفوس عبارت از نفس واحده شوند و از فکر واحد برخوردار شوند و خود را عضو یک عائله بزرگ بدانند تا فکر و روان نوع انسان علیه خود او به تفرقه مبتلا نشود.

آرزو و امید من آن است که شما در زندگی خود موهوب به برکات شوید. خداوند شما را مدد فرماید تا خدمات عظیمه به ملکوت ابهی نمایید و وسیله ترقی و پیشرفت امرالله گردید. مسرت شما سال به سال تزاید یابد، و اشجار باسقه گردید و اثمار جتیّه لذیذه معطره که مواهب سبیل خدمت است به بار آورید." (ترجمه - *Abdu'l-Baha in London*، ص ۷۹-۷۸)

احبای الهی باید نوعی روش و سلوک نمایند و حُسن اخلاق و اطوار بنمایند که دیگران حیران مانند. زوج و زوجه باید الفتشان جسمانی محض نباشد، بلکه الفت روحانی و ملکوتی باشد. این دو نفس حکم یک نفس دارند. چقدر مشکل است یک نفس از هم جدا شود. مشقات و مشکلات عظیمه رخ دهد. باری، اساس ملکوت الهی الفت و محبت است. اتحاد است نه اختلاف؛ علی‌الخصوص بین زوج و زوجه. اگر سبب طلاق یکی از این دو باشد، البته در مشقات عظیمه افتد و به وبال عظیمی گرفتار گردد و بی‌نهایت نادم و پشیمان شود. (هدیه ازدواج، ص ۱۴ / ازدواج بهائی، تألیف طاهره خدادوست، طبع ۱۳۴ بدیع، ص ۱۶-۱۵)